

## تشدید سرکوب وحشیانه زنان و جوانان در خیابان ها

بهرام رحمانی

bamdadpress@ownit.nu

حکومت اسلامی ایران، از همان روزهای نخست قدرت گیری اش با تعرض به انقلاب و نیروهای انقلابی و انقلابیون و سرکوب دستاوردهای انقلاب و آزادی های فردی و اجتماعی، سرکوب سیستماتیک زنان را نیز آغاز کرد و در این سی سال آپارتاید جنسی، یکی از سیاست های غیرانسانی حکومت است. اما زنان نه تنها مرعوب این سرکوب های وحشیانه نشده اند، بلکه زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب روزبروز مبارزه خود را در جهت رهایی زنان رشد و گسترش می دهند.

یکی از شگردهای وزارت اطلاعات و بی دادگاه های حکومت اسلامی این است که هر کسی را دستگیر می کنند اتهامی که به آن می زنند این است که: «امنیت ملی» را به خطر انداخته است. این امنیت ملی حکومت اسلامی به حدی شکننده و ضعیف است که حتی مثلا اگر زنی دو تار موی خود را از زیر روسری اجباری بیرون بیاورد بلافاصله «امنیت ملی» در معرض خطر قرار می گیرد؟! برای مثال، کسانی که برای کمپین یک میلیون امضا در خیابان امضا جمع می کنند به مجلس و ارگان های دیگر حکومت ارائه دهند تا تغییراتی در وضع زنان به وجود آورند به «اتهام» اقدام علیه امنیت ملی دستگیر و زندانی می کنند. در حالی که کمپین یک میلیون امضا، کاری به دولت ندارد، حاکمیت را به رسمیت می شناسد و تلاش می کند از طریق مجراهای «قانونی» یک میلیون امضا جمع کند تا از این طریق مجلس ارتجاع اسلامی قوانینی را به نفع زنان تصویب کند. در کمپین یک میلیون امضا، گرایشهای مختلف از نمایندگان مجلس، جناح دوم خرداد، فمینیست های به اصطلاح اسلامی و سکولار و متوهمین به حکومت اسلامی فعالیت دارند، بنا به بافت و ماهیت و اهداف آن، این کمپین نه تنها هیچ ضرری به حکومت اسلامی نمی رساند، بلکه در افکار عمومی این توهم را نسبت به حاکمیت دامن می زند که گویا با امضا جمع کردن می توان قوانین ضدزن حکومت اسلامی را تغییر داد، چنین سیاستی جز توهم پراکنی و دل مشغولی چیز دیگری نیست و ربطی به جنبش واقعی زنان ندارد. جنبش زنان باید خودش را در کارخانه، محلات با دخالت دادن زنان دار، در ادارات، مدارس، دانشگاه ها با استراتژی سوسیالیستی سازمان دهد. از طریق مبارزه جمعی و فشار از پایین گام به گام مطالبات بر حق و برابری طلبانه خود را به حکومت اسلامی تحمیل نماید. با خزعبلات آیت الله صانعی، منتظری و دوم خردادی و فمینیست های «اسلامی» نمی توان جنبش زنان را سازمان داد. اما با این وجود، حکومت اسلامی حتی تحمل کمپین یک میلیون امضا را نیز ندارد و فعالین آن را به بهانه «اقدام علیه امنیت ملی» دستگیر و زندانی می کند. یا امام جمعه های مرتجع، با الفاظ زشت و شنیعی حرمت زنان را لگدمال می کنند و از این طریق از نیروهای ضدانسان و ضدآزادی از انصار حزب الله تا نیروهای سرکوبگر انتظامی و لباس شخصی و غیره می خواهند که در خیابان ها و مراکز کاری و اداری به دختران و زنان یورش ببرند. با نگاهی به اعمال وحشیانه آپارتاید جنسی حکومت اسلامی، به جرات می توان گفت که در هیچ جای جهان، چنین سیاست هایی دست کم از زبان سران و تربیون های رسمی حکومتی تبلیغ و ترویج نمی شود. از این رو، جهل و جنایت حکومت اسلامی، در جهان بی همتاست!

بنا به نوشته اعتماد، یک شنبه ۵ خرداد ۱۳۸۷ - ۲۵ می ۲۰۰۸، امام جمعه مشهد در خطبه های نماز جمعه این شهر، با کلمات رکیکی خطاب به فعالین کمپین یک میلیون امضا، گفت: «من نمی دانم چرا یک عده خود فروخته و سست عنصر اصرار دارند که ما از خدا و امام زمان صحبت نکنیم. کشور ما کشور امام زمان است. ما شکست های خود را به امام زمان نسبت ندادیم بلکه پیروزی های خود را مدیون ایشان می دانیم.» احمد علم الهدی در ادامه با هرزه و خودفروخته خواندن زنانی که برای تغییر برخی از قوانین تلاش می کنند، خواستار برخورد با آنان شد. به گزارش ایسنا، وی گفت: «بعضی از عناصر هرزه و خودفروخته ورق پاره ای را در دست گرفته بودند و برای لغو قوانین کشور و لغو حجاب در کشور تلاش می کردند، این ها جریاناتی است که عناصر خودفروخته و جاسوسان استکبار به راه انداخته اند و این کار جریانات جاسوسی بوده است.» وی افزود: «باید با این جریانات برخورد کرد. این ها فضایی نیست که ما در برابر آن کوتاه بیایم.»

امیر یعقوبعلی، از اعضای کمپین یک میلیون امضا به تحمل یک سال حبس تعزیری محکوم شد. نسرین ستوده، وکیل مدافع یعقوبعلی با اعلام این خبر به سایت «تغییر برای برابری»، گفت: «امروز ۵ خرداد ۱۳۸۷ رای آقای امیر یعقوبعلی به اینجانب ابلاغ شد. ایشان به اتهام اقدام علیه امنیت ملی از طریق فعالیت تبلیغی علیه نظام به تحمل یک سال حبس محکوم شده اند.»

ستوده، درباره دلیل صدور چنین حکمی گفت: «چون موکلم در حال جمع آوری امضا در پارک بازداشت و روانه زندان شد، و جمع آوری امضا به موجب هیچ یک از قوانین موجود جرم نمی باشد و اقدامی کاملا قانونی محسوب می شود لذا اینجانب به اتفاق دو وکیل دیگر این پرونده خانم شیرین عبادی و لیلا علی کرمی حتما در مهلت قانونی اعتراض خود را به حکم دادگاه تجدید نظر اعلام خواهیم کرد.»

امیر یعقوبعلی، از اعضای کمیته پسران کمپین یک میلیون امضا در ۲۰ تیر ماه ۱۳۸۶ هنگام جمع آوری امضا در پارک اندیشه تهران بازداشت شد و ۲۹ روز در زندان اوین بود و با قرار وثیقه ۲۰ میلیون تومانی آزاد شد. شعبه ۱۳ دادگاه انقلاب حکومت اسلامی، هم چنین پروین اردلان، برنده جایزه اولاف پالمه را به «اتهام»، تبلیغ علیه نظام به دادگاه احضار کرده است. پروین اردلان از فعالان کمپین یک میلیون امضا و روزنامه نگار است. او ۱۲ اسفند ماه گذشته، در حالی که برای دریافت جایزه «اولاف پالمه» عازم سوئد بود، هنگامی که سوار هواپیما شد به او اعلام کردند که ممنوع الخروج شده است. فرار است اردلان. در تاریخ ۱۲ مرداد ۱۳۸۷ در جلسه دادگاه حضور باید.

در حالی که دادگاه انقلاب پیگیرانه فعالان کمپین یک میلیون امضا و به طور کلی فعالان جنبش زنان را به دادگاه احضار و برای آن ها احکام زندان و شلاق صادر می کند، اما با گذشت ماه ها از ضرب و شتم ناهید جعفری، فعال کمپین یک میلیون امضا توسط پلیس، نیروی انتظامی روز چهارم خرداد ماه، اعلام کرد هنوز پلیس ضارب خانم جعفری شناسایی نشده است.

ناهید جعفری، روز ۱۲ اسفند ماه ۱۳۸۶، هنگام تجمع زنان در مقابل دادگاه انقلاب، توسط یکی از افراد پلیس به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اما به رغم آن که وکیل او نسرین ستوده، نام و مشخصات ضارب را در اختیار نیروی انتظامی گذاشته است، اما برخورد با وی تاکنون به نتیجه ای نرسیده است. ناهید جعفری در همین رابطه به رادیو فردا گفته است: «ضربه بدی به من زدند و لته هایم خونریزی کرد و حتی تا مدتی از نظر شنوایی نیز مشکل داشتم. چون صدمه بدی دیده بودم شکایت کردم، ولی تاکنون جوابی به من نداده اند و می گویند ضارب شناسایی نشده است.»

حکومت اسلامی، پس از گذشت سی سال از حاکمیت خونین خود، هنوز در تلاش است جدایی دختر و پسر را در دانشگاه ها پیگیری کند. برای مثال، به گزارش شهاب نیوز - سرپرست «واحد خواهران» دانشگاه قم از تشکیل «ستاد عفاف و حجاب» در این واحد دانشگاهی خبر داد. به گزارش روابط عمومی دانشگاه قم، حسینی الهاشمی سرپرست واحد خواهران این دانشگاه با اشاره به اهمیت تشکیل ستاد عفاف و حجاب گفت: «با توجه به اهمیت پرداختن به مقوله عفاف و حجاب در دانشگاه ها و تاکید مقام معظم رهبری در این خصوص و با توجه به راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب در قالب برنامه جامع و ملی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب، ضرورت تشکیل این ستاد در دانشگاه قم احساس می شد.»

وی افزود: در این راستا پس از ارسال وظایف و مأموریت های ستاد عفاف و حجاب از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، این ستاد با فعالیت مسئولان فرهنگی و تعدادی از استادان عضو هیئت علمی دانشگاه قم تشکیل شده است... توسعه حجاب و عفاف در دانشگاه منوط به يك برنامه ریزی و سرمایه گذاری منسجم و هماهنگ است که بهترین بستر تحقق آن، فعالیت های ستادی است... حقیر و تمسخر فرهنگ بی بندوباری و بی عفتی، تجلیل و تعظیم پوشش و آرایش، عفاف و حجاب مناسب، یادآوری ارزشمندی اطاعت از دستورات الهی مربوط به پوشش، آرایش، عفاف و ارائه گزارش های خبری از گرایش جوانان به حجاب و عفاف از دیگر فعالیت های این ستاد است.»

حکومت اسلامی، در حالی سرکوب زنان را تشدید کرده است که بیکاری، تورم و گرانی و فقر به حد غیرقابل تحملی رسیده است. هدف سران حکومت اسلامی با تشدید سرکوب زنان و جوانان در خیابان ها راه انداختن رعب و وحشت و جلوگیری از اعتراضات اجتماعی و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و مردم آزادی خواه است. حکومت اسلامی، در پی اعلام طرح هایی هم چون «طرح امنیت اخلاقی»، «مبارزه با ارادل و اوباش» و غیره پلیس و دیگر نیروهای سرکوبگر خود را بر سر هر کوی و برزنی مستقر می کند و با راه انداختن رعب و وحشت تلاش می کند جامعه را مرعوب کند. این طرح ها، در واقع اسم رمز اعلام نوعی حکومت نظامی است. یورش نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی، به زنان و جوانان به حدی وحشیانه و غیرانسانی بوده است که حتی هاشمی رفسنجانی، این عنصر مهم خوف و رعب و وحشت و ترور نیز می گوید: «با ابزاری مانند ابزار نظامی و امنیتی نمی شود مشکلات را حل کرد.»

نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی سال گذشته، با اجرای طرح سرکوب اجتماعی، ده ها هزار نفر به ویژه زنان و جوانان را در انظار عمومی مورد ضرب و شتم قرار دادند و با دستگیر و زندانی کردند. در سالگرد اجرای طرح «ارتقای امنیت اجتماعی»، گزارشی توسط «کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر» در سایت های اینترنتی انتشار یافته است که به گوشه هایی از چگونگی انجام این طرح و وضعیت بازداشت شدگان و رفتار غیرانسانی صورت گرفته با آن ها پرداخته است. اوایل اردیبهشت ماه سال گذشته، سردار رادان فرمانده کل نیروی انتظامی، با اعلام طرحی به نام «امنیت اجتماعی» خبر از برخورد با افرادی داد که از آنان به نام «ارادل و اوباش» یاد می کرد. کم تر از یک هفته پس از اعلام طرح فرمانده نیروی انتظامی، نیروهای سپاه پوش با نقاب، در حالی که با خشونت زیاد، وارد منازل افراد می شدند، اقدام به بازداشت کسانی نمودند که به زعم نیروی انتظامی در ردیف «ارادل و اوباش» قرار می گرفتند. تصاویر این حملات، حتی با تبلیغات گسترده با هدف راه انداختن رعب و وحشت بیش تر از تلویزیون حکومت اسلامی نیز پخش می شد.

تصاویر منتشر شده از برخوردهای صورت گرفته، موج اعتراض فعالان سیاسی، اجتماعی و حقوق بشر در داخل و خارج از کشور را به دنبال داشت. با این وجود، این دستگیری ها توأم با خشونت، طی چند ماه در تهران و شهرستان های اطراف ادامه یافت.

در سالگرد اجرای این طرح، گزارش مزبور به بررسی چگونگی انجام طرح و وضعیت کنونی بازداشت شدگان می پردازد. در این جا گوشه هایی از این گزارش را می آوریم. خانواده بازداشت شدگان، که اغلب در جریان هجوم نیروهای انتظامی، مورد آزار قرار گرفته بودند و شاهد ضرب و شتم شدید فرزندان شان بودند، با مراجعه مکرر به دادگاه انقلاب و پلیس امنیت خواهان اطلاع از وضعیت فرزندان خود شدند، با این حال مسئولان از دادن پاسخ روشن به آنان خودداری کرده و با توهین و تهدید از آن ها می خواستند که از ادامه پیگیری های خود منصرف شوند.

مادر مینم لطفی، می گوید: «در طی زمانی که ما در برابر پلیس امنیت در میدان سپاه تجمع می کردیم، تنها با توهین روبرو می شدیم. به ما می گفتند پیگیری نکنید، هیچ کدام شان زنده باز نمی گردند.»

این جا جهنم است افراد دستگیر شده، به سوله کهریزک انتقال یافتند و طی مدت بازداشت در آن جا روزهای کابوس واری را پشت سر گذاردند. بازداشت شدگان می گویند: «تا دو هفته اول آب آلوده با گازونیل به ما می دادند و یک سیب زمینی، حیره غذای روزانه مان بود.» و شکنجه و ضرب و شتم وحشیانه ای که انکار تمامی نداشت. در این میان بودند کسانی که بیش از سایرین مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند، این افراد را معمولاً کسانی که پرونده های سنگین تری داشتند و یا افرادی که اسم شان از سوی ماهواره ها اعلام شده بود، تشکیل می دادند.

م. ل می گوید: «روز تولد حضرت زهرا، آمدند و ما را به صف کردند و گفتند می خواهیم از شما پذیرایی کنیم و سپس درحد مرگ کتک مان زدند. ابتدا ما را در حیاط به صف کردند و یکی یکی به میان جمع ۲۰ نفره نقاب دارانی می بردند که آماده بودند برای ضرب و شتم ما، وقتی به این دایره نقاب دار وارد می شدی، کم تر از ۱

دقیقه طول می کشید تا به هر آن چه کرده و نکرده ای اعتراف کنی، هیچ کس نبود که فریاد غلط کردم را زیر لگدها و بانوم های ماموران سر نهد. یا این که لخت مان می کردند و وادارمان می نمودند روی اسفالت داغ غلت بزنیم.» او ادامه می دهد، حداقل ۱۰ نفر را با چشم خود دیده است که بر اثر این ضرب و شتم ها و عدم رسیدگی پزشکی جان باخته اند. که از جمله این افراد، پسری حدود ۲۰ ساله است که میثم لطفی، در هنگام مرگ وی حضور داشته است. او می گوید «کیدش ترکیده بود، و روی زمین پر از خون شده بود، و اطرافش پر از مگس و بوی تعفن بود. یکی از نگهبانان مرا صدا زد و از من خواست که روی جنازه اش آب بریزم، بعد هم او را لای پتویی پیچیدند و بردند.»

با دو برادر دوقلویی که پس از مرگ یکی از آن ها، دیگری با تزریق آمپول دیوانه شد. م. ل می گوید: «یک بار آمدند و ۲۰ نفرمان را جدا کردند و گفتند می خواهیم به پرونده هایمان رسیدگی کنیم، بعد برگه های سفیدی را به ما دادند تا امضا کنیم و ما هم به ناچار آن ها را امضا کردیم، سپس فهمیدیم که حکم اعدام مان بوده است. از آن پس هر بار که صدایمان می کردند، فکر می کردیم برای اعدام می رویم.»

آن هایی که بازداشت در کهریزک را تجربه کرده اند، هنوز هم از یادآوری آنچه بر آنان گذشت، به هراس می افتند. و مرتب می گویند: «چرا کسی از آن جا بازدید نمی کند، هنوز هم هستند کسانی که در چنان شرایطی زندگی می کنند، پس مدافعان حقوق بشر کجا هستند. آن جا جهنم است، آن جا آخر دنیاست.»

نهاداری متهمان در سوله کهریزک، در قفس هایی است که به آن قفس شیر می گویند، در هر قفس حدود ۴۰ - ۵۰ نفر نگهداری می شوند، بدون هیچ گونه امکانات بهداشتی. به طوری که نگهبانان برای فرار از بوی تعفن و آلودگی، ناچار به استفاده از ماسک می باشند.

م. ل می گوید: «نگهبانان برای تحقیر زندانیان، هر از گاهی با تمسخر از ما می پرسیدند که هنوز هم شیر هستید، و ما در جواب می گفتیم که دیگر موش شده ایم، آزادمان کنید.»

کسانی که مطابق با لیست نیروی انتظامی به اعدام محکوم شده بودند، حداقل یک بار تا پای چوبه دار برده شدند. میثم لطفی، حسین عشرتی، هانی خواندار، حامد اکبری و ... کسانی هستند که اعدام مصنوعی را در طی این مدت تجربه نمودند. هانی خواندار در ملاقاتی به مادرش گفته است که ۲ بار ساعت ۴ صبح او را تا پای چوبه دار بردند، و پس از این که قران زیر بغلش گذارده و چشمانش را بستند، دوباره به بند بازگردانند.

بازداشت شده دیگری می گوید: «ما را برای اعدام می بردند، در حالی که پیش از ما عده ای را اعدام کرده بودند، این طور وانمود می کردند که ما نمرات بعدی هستیم. حتی از پله ها بالا می رفتیم، اما...»

با این حال اعتراضات گسترده فعالان حقوق بشر، منجر به این شد که دادگاه انقلاب احکام اعدام خود در مورد تعدادی از بازداشت شدگان را به اجرا در نیاورد. اما برای از بین بردن این افراد، روش های دیگری اندیشیده شده بود.

هانی خواندار می گوید: «یک شب، در نیمه های شب، سه مامور مرا به بیابان بردند و بعد از این که دست ها و پاهایم را باز کردند، از من خواستند تا فرار کنم!» دیگر بازداشت شدگان نیز این حرف را تایید می کنند، آن ها می گویند: «نیروی انتظامی قصد داشت ما را این گونه بکشد و سپس طوری وانمود کند که ما در حال فرار کشته شده ایم.»

با این حال پس از آزادی از زندان نیز، تعدادی از افراد یاد شده به بهانه های مختلف مورد اصابت گلوله قرار گرفته و جان باخته اند و در این میان، خانواده های این افراد وادار به سکوت شده اند.

از میان بازداشت شدگان سال گذشته، هم اکنون هانی خواندار و حامد اکبری، پس از گذشت حدود ۱۴ ماه هم چنان در بند ۲- الف (بند اطلاعات سپاه) نگهداری می شوند، و از شرایط پرونده آنان اطلاعی در دست نیست.

افراد آزاد شده از سوله کهریزک نیز خبر می دهند که تعدادی از این بازداشت شدگان سال گذشته، هم چنان در کهریزک نگهداری می شوند. مادر هانی خواندار که به دلیل پیگیری های متعدد خود برای روشن شدن وضعیت فرزندش، به مدت ۱ ماه بازداشت و در بند سپاه به سر برد، با ابراز ناامیدی نسبت به رسیدگی عادلانه به پرونده پسرش می گوید: «همه مواردی که در پرونده هانی وجود دارد، اتهام است و هیچ کدام ثابت نشده است.» هانی خواندار که در مدت بازداشتش در بند سپاه دچار بیماری «گری» شده است، در آخرین ملاقات خود به مادرش گفته است که در صورت انتقالش به بند عمومی، فرار است از سوی زندانیان دیگر کشته شود! افرادی که با فید وثیقه از زندان آزاد شدند، با تشکیل پرونده هایی در پایگاه امنیت، می بایست هفته ای یک بار خود را به مقر نیروی انتظامی معرفی کرده و امضا بدهند. این پرونده ها بر اساس میزان جرایم فرد، رنگ هایی چون قرمز، زرد و یا سبز دارد که افراد با پرونده قرمز، اعدامی هایی هستند که از زندان آزاد شده اند.

یکی از بازداشت شدگان می گوید: «زمانی که هانی خواندار و حامد اکبری را از دادگاه انقلاب به زندان می بردند، آن ها سرشان را از پنجره ماشین بیرون آوردند و فریاد می زدند: «مادرها فرزندانمان را نجات دهید، همه آن ها دارند در کهریزک می میرند.» و سپس با ضربات مشت و لگد ماموران ساکت شدند...»

این گزارش خواننده را به یاد فیلم های تکان دهنده و هولناک اردوگاه های مرگ هیتلری می اندازد. حکومت اسلامی، در قرن بیست و یکم همه سیاست ها و اعمال و رفتار جانیانه حکومت های قرون وسطا و دوران آلمان هیتلری را به طور وحشیانه تری به کار می گیرد.

بنا بر گزارش خبرنگار امیرکبیر، در آماري که به تازگی از سوی مسئولین استان مرکزی ارائه شده، عنوان شده است که در سال گذشته بیش از ۶ هزار زن معتاد و ۷۲ دختر فراری در استان مرکزی دستگیر شده اند.

جواهری، معاون امور بانوان استانداری مرکزی، در همین زمینه گفت: «بیش از ۶ هزار معتاد زن پارسال در استان مرکزی دستگیر شده اند که میانگین سنی آنان بین ۱۸ تا ۲۵ سال است.» وی افزود: «۲۰ درصد معتادان دختر و ۷۰ درصد آنان را زنان تشکیل می دهد.»

جواهری، با اشاره به تخلفات زنان استان، در پارسال افزود: «در این مدت ۷۲ مورد دستگیری دختر فراری، ۲۸ مورد جرائم جنسی، ۲۱۸ مورد نزاع دسته جمعی، ۲۲ مورد قتل، ۲۱ مورد خودکشی موفق و هزار و ۲۰۷ مورد خودکشی ناموفق در استان به ثبت رسیده است.»

خبرگزاری حکومتی ایسکانیوز نیز در تاریخ ۱۶ خرداد خبر داد که «آمار دختران فراری در ایران ۲۰ برابر شده است.» یک دلیل اصلی فرار دختران سرکوب و فقر اقتصادی است.

بنا بر گزارش بانک مرکزی ایران، شاخص تورم در اردیبهشت ماه امسال از مرز ۲۰ درصد هم گذشته است. این تورم افسارگسیخته زندگی کارگران و خانواده آن‌ها را به جهنمی سوزان تبدیل کرده است. عدم پرداخت به موقع دستمزدهای ناچیز و اخراج‌ها هم هم‌چنان زندگی کارگران را مختل کرده است.

اما محمود احمدی نژاد، این تروریستی که همواره درباره مسایل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک مشت دروغ تحویل جامعه می‌دهد روز جمعه، ۲۰ مه ۲۰۰۸، در اجتماع فرماندهان بسیج سراسر کشور، بی‌شرمانه گفت که «علی‌رغم همه فشارها، تهدیدها و تحریم‌ها، تمام شاخص‌های اقتصادی کشور جز تورم رو به بهبود داشته.» تورمی که به گفته کارشناسان اقتصادی به نقطه‌ای بحرانی می‌رسد و روزهای سخت‌تری در انتظار اقتصاد و مزدبگیران ایران است. این روزهای سخت برای بسیاری از مردم ایران، مدت‌هاست که آغاز شده است. احمدی نژاد، هنگامی چنین ادعای کاذبی را پیش می‌کشد که بنا بر گزارش بانک مرکزی شان شاخص تورم در اردیبهشت ماه امسال از مرز ۲۰ درصد هم گذشته است. قیمت مایحتاج روزمره هم چون نان، برنج، حبوبات، لبنیات، روغن، میوه، سبزیجات و غیره بین هشت تا هشتاد درصد افزایش داشته است. اما برای احمدی نژاد، فقط انباشت سرمایه مهم است.

در میان این گرانی و تورم فزاینده، دستمزد ناچیز صدها هزار کارگر همواره با تاخیر پرداخت می‌گردد. برای مثال، کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه بیش از سه ماه است حقوق‌شان را نگرفته‌اند. آن‌ها می‌گویند که به اعتراضات‌شان هم پاسخی جز ضرب و شتم، دستگیری و ارباب‌داده نشده است. حکومتی که روزانه میلیون‌ها دلار فقط از منبع فروش نفت خام به خزانه اش واریز می‌شود، اما سران حکومت اسلامی، حتی به سفره خالی کارگران نیز دست درازی می‌کنند.

علاوه بر تهدید روزانه امنیت شغلی مزدبگیران، خطر جانی نیز کارگران را به دلیل کمبود ابزارهای ایمنی تهدید می‌کند. دوشنبه هفته گذشته ۲۰ کارگر در آتش‌سوزی کارخانه «کیمیاگران امروز» و «کیمیا گستر» جان باختند و ۵۰ نفر نیز به شدت زخمی شدند. به گفته رییس دانشگاه علوم پزشکی اراک شدت سوختگی دوسوم مجروحان بالای ۷۰ و تا ۱۰۰ درصد است.

بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای خانواده‌های کارگران جان‌باخته حادثه آتش‌سوزی در دو کارخانه تولیدی در شهرستان «شازند» در استان مرکزی، که جمعی از مردم این شهر نیز آنان را همراهی می‌کردند، در اعتراض به سکوت مقامات دولتی در خصوص این حادثه دست به راهپیمایی زدند. شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی که از خیابان مصلی تا مقابل فرمانداری شازند برگزار شد، نسبت به کم‌توجهی مسئولین دولتی و عدم حضور آنان در مراسم گرامی داشت جان‌باختگان این حادثه اعتراض کردند.

سومین آتش‌سوزی طی سه هفته در کارخانه «ابر آسیا» واقع در کهریزک روی داد. خبرگزاری ایسنا، در مورد این آتش‌سوزی نوشت: «حریق ساعت ۹ شب به آتش‌نشانی پایگاه شورآباد گزارش شد.» در این حادثه ۲۱ هزار مترمربع سوله کارخانه ابر آسیا در زمینی به وسعت ۵۰ هزار مترمربع که محل نگهداری اسفنج، یونولیت و تولیدات دیگر بود در آتش سوخت. حدود ۱۰ سوله از کارخانه تا ۹۰ درصد آتش گرفت و دو سوله نیز به علت شدت آتش سوزی تخریب شد.

در چنین شرایطی، نیروهای سرکوبگر حکومت در هفته‌های اخیر، با «تشدید طرح امنیت اجتماعی»، در تهران و شهرستان‌ها ده‌ها هزار نفر را در خیابان‌ها دستگیر کرده‌اند و با تحقیر و توهین و ضرب و شتم و ... برای آن‌ها پرونده‌سازی نموده‌اند.

سردار رادان فرمانده انتظامی تهران بزرگ، با تأکید به ادامه اجرای این طرح در تهران، گفت: «تشدید طرح امنیت اجتماعی با هدف افزایش احساس امنیت اجتماعی برای بانوان از ۲ خرداد در تهران بزرگ به اجرا گذاشته شد.» به گفته وی، «با افرادی که با پوشش‌های نامناسب به ارزش‌های اسلامی جامعه بی‌توجهی می‌کنند برابر قانون رفتار خواهد شد که در این رابطه با تعدادی از هنجار شکنان که بعضاً آگاهانه نسبت به ارزش‌های جامعه بی‌توجهی کرده‌اند، رفتار قانونی شده و به مراجع قضایی معرفی شده‌اند.»

سایت نواندیش، یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۸۷ - ۱ یونی ۲۰۰۸ نوشت، به گزارش اداره اطلاع‌رسانی فرماندهی انتظامی استان تهران، سردار علیرضا اکبر شاهی (فرمانده انتظامی استان تهران) گفت پلیس استان تهران در راستای طرح امنیت اخلاقی و اجتماعی برخورد خود با مقوله‌های مزاحمان نوامیس، بدحجابی، مزاحمت‌های بی‌ادبانه، اوباشگری، مجالس لهو و لعب، زنان خیابانی، فساد و فحشا را تشدید کرده است.

رئیس ستاد احیاء امر به معروف شهرستان اصفهان، به خبرگزاری فارس گفت: «از تاریخ ۱۵ خرداد ماه سال جاری، تمامی مسافرکشی‌های شهری موظف به تذکر و سوار نمودن مسافران بدحجاب در سطح شهر اصفهان هستند. ظهر امروز «مظفر حاجیان» در دومین کمیسیون مبارزه با مفسدات اجتماعی استان اصفهان، با انتقاد از عملکرد سازمان تاکسیرانی افزود: «سوار نمودن دو نفر مسافر در جلو وسیله نقلیه کاری خلاف مقررات است.» وی ادامه داد: «طرح جلوگیری از حضور دوچرخه‌سواران زن در سطح شهر به خوبی اجرا شده است و جا دارد کار بیش‌تری روی آن صورت بگیرد.» رئیس ستاد احیاء شهرستان اصفهان، به نقش ماهواره‌ها در اشاعه فساد، بدحجابی و اشاعه فرهنگ غربی در جامعه تأکید کرد و افزود: «متأسفانه در حال حاضر ماهواره‌ها در خانواده‌های مذهبی نیز جای خود را باز کرده است که این یک زنگ خطر جدی است.»

رییس پلیس آذربایجان شرقی، ۱۱ خرداد ۱۳۸۷، اعلام کرد که در یک ماه اخیر در جریان طرح‌های سرکوب‌های خیابانی در این استان، ۶ هزار و ۸۲ مورد تذکر، ۹۹۱ نفر دستگیری مزاحمان، انجام شده و ۲۷۵ زن به اتهام داشتن رابطه ناسالم با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شده‌اند. به گزارش ایسنا، «سردار محمد علی نصرتی»، هم‌چنین در جمع خبرنگاران «در رابطه با تخلفات و جرایم صنفی» از «چهار هزار و ۵۷۷ مورد تذکر» خبر داد و ۱۱۶ نفر نیز توسط پلیس نظارت بر اماکن عمومی دستگیر و با تشکیل پرونده به مراجع قضایی معرفی شده‌اند و علاوه بر این‌ها، هشت هزار و ۹۶۰ عرضه‌کننده محصولات ضد فرهنگی مورد تذکر و ارشاد واقع شده و ۲۹۸ نفر نیز در این خصوص در سطح استان دستگیر و روانه زندان شده‌اند. این فرمانده سرکوبگر حکومت جهل و جنایت، در مورد دستگیری‌های مرتبط با حجاب در سطح استان گفت: «در این رابطه هم، ۱۴ هزار و ۵۶۰ مورد تذکر و ارشاد صورت گرفته و ۱۸ مرد و ۴۹ زن نیز در این رابطه دستگیر شده‌اند.»

وی، در خصوص دستگیری های تهران، گفت: «در طول این طرح از ابتدای سال جاری تعداد ۶ هزار و ۴۱۴ نفر از کسانی که با رفتارهای ناهنجار خود برای بانوان مزاحمت ایجاد کرده و موجب سلب امنیت و آسایش از آنان شده بودند، دستگیر شدند. وی ادامه داد: تعداد ۵۴۹۲ نفر از دستگیر شدگان با اخذ تعهد کتبی آزاد و تعداد ۹۲۴ نفر نیز با پرونده تحویل مراجع قضایی شدند. بنابراین گزارش، «در طول این طرح تعداد یک هزار و ۹۸ نفر از زنان بدحجاب که با پوشش خود عفت عمومی را جریحه دار می کردند، دستگیر شدند و از این تعداد ۹۵۴ نفر با اخذ تعهد کتبی آزاد و تعداد ۱۱۴ نفر نیز با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند.

وی، هم چنین با اشاره به این که محصولات ضد فرهنگی همواره زمینه ساز بسیاری از ناهنجاری ها و رفتارهای خارج از عرف، شرع و قانون است، گفت: در این خصوص تعداد یک هزار و ۵۲۴ نفر دستگیر شدند که همگی دستگیر شدگان با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند. تعداد ۸۳ نفر در خصوص در برپایی مجالس لهو و لهب دستگیر شدند که از این تعداد ۳۶ نفر با اخذ تعهد کتبی آزاد و ۴۷ نفر نیز با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند، هم چنین تعداد یک باب تالار پذیرایی نیز در این خصوص پلمب شد. وی در پایان گفت: در طول اجرای این طرح ۱۹۷ نفر از زنان خیابانی و دایرکنندگان مراکز و خانه های فساد که همواره از زمینه سازان بسترهای ایجاد جرم هستند، دستگیر و همگی آنان با تشکیل پرونده تحویل مراجع قضایی شدند.

روزنامه اعتماد ملی، به تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۸۷، نوشت: گفته می شود که ۸ دانشجوی دختر دانشگاه صنعتی شیراز از سوی کمیته انضباطی دانشگاه صنعتی شیراز به اتهام بدحجابی در محیط دانشگاه به یک ترم محرومیت از تحصیل محکوم شده اند. به گزارش سایت آفتاب برخی اخبار غیررسمی حکایت از آن دارد که پس از اعتراض این دانشجویان به احکام کمیته انضباطی، یکی از مسئولان دانشگاه، علت صدور این احکام را نامه ۱۱ تن از دانشجویان دانشگاه صنعتی شیراز به کمیته انضباطی عنوان کرد که در این نامه دانشجویان مذکور اظهار داشته اند پوشش این ۸ دانشجوی دختر باعث تحریک آنان شده است.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس، معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان قزوین در گفتگو با خبرنگاران ضمن تاکید بر ادامه طرح ارتقاء امنیت اخلاقی در استان، با اشاره به ۲۰۰۰ مورد تذکر و ارشاد به زنان بدپوشش برای رعایت حجاب اسلامی خاطرنشان ساخت: «از ابتدای سال جاری تاکنون ۹۵ نفر از افرادی که حجاب اسلامی را رعایت نکرده اند توسط پلیس دستگیر شده اند.»

سرهنگ شعبانی، تعطیلی شش سفرخانه به دلیل نداشتن مجوز و هم چنین تعهد کتبی از ۱۸ واحد دیگر مبنی بر لزوم رعایت مقررات و شئون اسلامی را از دیگر اقدامات انجام شده در این مدت نام برد.

فرزانه، دختر ۱۷ ساله قربانی خشونت خانگی می شود. پدر فرزانه به خود حق می دهد او را در دادگاه خانواده محاکمه کند و بدون دفاع او را به مرگ محکوم کند و در رختخواب خفه می کنند.

زهرا بنی یعقوب، دانشجوی سال آخر پزشکی، به وسیله یک مامور امر به معروف و نهی از منکر به دلیل راه رفتن با نامزد خود در پارک دستگیر و روانه بازداشتگاه شد و دو روز بعد جنازه اش تحویل خانواده گردید. این دو نمونه، خشونت علیه زنان و دختران در محیط خانواده و حکومت را نشان می دهد.

امام جمعه مشهد، زانی را که علیه این خشونت ها و تبعیض ها فعالیت می کنند را «هرزه» می خواند. هرزه هایی که عامل استکبار هستند. روشن است که داستان فرزانه و زهرا که از ۲۰ سال پیش با فرمان خمینی آغاز شده است و تاکنون از جامعه زنان ایران، ده ها و صدها هزار قربانی گرفته است، نشان دهنده سیاست های ضدانسانی حکومت اسلامی و همه جناح های آن را نشان می دهد که با کمین هایی هم چون یک میلیون امضا نمی توان حلو این جنایات روزمره را گرفت. معلوم نیست از ده ها هزار زنی که توسط مامورین سرکوبگر دستگیر می شود چند نفرشان مورد تجاوز قرار می گیرند که هیچ دادرسی ندارند چند نفرشان دچار بیماری های روحی و روانی و جسمی و یا دست به خودکشی می زنند؟! باید کلیت این حکومت را زیر سوال برد و برای برکناری آن مبارزه کرد نه به تغییر قوانین آن چشم دوخت. هر روز در سراسر ایران، صدها زن و دختر قربانی سیاست های ضدزن حکومت اسلامی و مردسالاری که ریشه در سیستم سرمایه داری دارد قربانی می شوند؟ در حاکمیت حکومت اسلامی و در قوانین ضدزن آن، اگر زنی مورد تجاوز قرار گیرد در صورت مراجعه به ارگان های قضایی این حکومت، احتمال این که محکوم نشود بسیار زیاد است. از این رو، هیچ زن و دختری حرات بیان این که مورد این رفتار وحشیانه قرار گرفته است را ندارد و دچار سرخوردگی و بیماری روحی و جسمی می شود. یا با فرار از خانه، زندگی خود را برای همیشه تباه می سازد و یا دست به خودکشی می زند. این است ماهیت واقعی حکومت اسلامی و قوانین اسلامی آن.

مسلم است که باید به طور روزمره در جهت بهبود وضعیت زنان مبارزه کرد و آن را به آینده موکول نکرد اما اگر این مبارزه با افق و چشم انداز و استراتژی سوسیالیستی در جهت سرنگونی حکومت اسلامی و برپایی جامعه سوسیالیستی نباشد این مبارزه حتی موفق نخواهد شد که مطالبات خود را در چهارچوب همین حکومت متحقق سازد. حاکمیت سی ساله حکومت اسلامی، بهترین شاهد برای برای درک این واقعیت غیرقابل انکار است.

\* برگرفته از: نشریه جهان امروز شماره ۲۰۸، نیمه اول خرداد ۱۳۸۷ - نیمه اول ژوئن ۲۰۰۸